

تأثیر فرایند جهانی شدن و فضای مجازی بر هویت ملی

و الزام پیش روی دولت‌ها

مجید عباسزاده مرزبالی^۱

چکیده

هدف این مقاله، بررسی چگونگی تأثیر فرایند جهانی شدن و فضای مجازی بر هویت ملی جوامع و الزام پیش روی دولت‌ها به منظور صیانت از هویت ملی در عصر جهانی شدن است. بر این اساس، سؤال مقاله این است که فرایند جهانی شدن و فضای مجازی چگونه بر هویت ملی جوامع تأثیر گذاشته اند و اینکه دولت‌ها به منظور صیانت از هویت ملی جامعه‌ی خود، باید چه رویکردی در برابر فرایند جهانی شدن اتخاذ نمایند؟ در این پژوهش با رویکردی نظری و با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال پاسخ داده می‌شود. به طور کلی پاسخ مقاله بدین ترتیب است که گسترش و فراگیری جهانی شدن و فضای مجازی و تأثیرات آن‌ها، موجب شکل‌گیری و تقویت الگوهای هویتی دیگری غیر از هویت ملی یعنی هویت فراملی و هویت‌های فروملی (قومی) و در نتیجه، ایجاد تزلزل در تعیین و انتخاب اولویت‌ها در میان سطوح هویتی و شکاف و تعارض هویتی و بروز بحران هویت و تضعیف هویت ملی در بسیاری از جوامع گشته است؛ اما با تمام این‌ها، جهانی شدن و فضای مجازی در کنار چالش‌هایی که برای هویت ملی جوامع ایجاد می‌کنند، فرصت‌ها و امکاناتی را نیز پیش روی دولت‌ها قرار می‌دهند که آنان در صورت شناخت صحیح این پدیده‌ها و مواجهه‌ی منطقی با آن‌ها، می‌توانند از آن فرصت‌ها بهره برده، بر چالش‌های هویتی غلبه نموده و از هویت ملی کشور صیانت نمایند.

کلمات کلیدی: جهانی شدن، فضای مجازی، هویت ملی، هویت فراملی، هویت‌های فرو ملی (قومی)، کارکرد هویتی دولت.

^۱ دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه در سطح جهانی مسائل مختلفی باعث توجه به موضوع هویت ملی شده است که از دیدگاه این مقاله، شتاب گرفتن فرایند جهانی شدن مهم ترین آنها است. جهانی شدن پدیده‌ای است که از نیمه قرن بیستم به بعد (به ویژه در دو- سه دهه اخیر) توانسته است بر عرصه‌های گوناگون زندگی بشری در جوامع مختلف تأثیر بگذارد، به طوری که در حال حاضر هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون توجه به آن، به زندگی خویش معنا و مفهوم بخشیده و به حیات خود ادامه دهد؛ یکی از عرصه‌هایی که از جهانی شدن تأثیر پذیرفته است، حوزه هویت ملی است. تحقیق حاضر، جهانی شدن را به مثابه یک پروسه یا فرایندی منسجم و یکپارچه می‌داند که به تدریج تأثیرات خود را در حوزه‌های مختلف از جمله هویت ملی نشان داده و می‌دهد. به اعتقاد این مقاله، فرایند مذکور از طریق ابزارهای مختلفی توانسته است هویت ملی را در جوامع مختلف با چالش مواجه سازد که فضای مجازی از مهم ترین آنها به شمار می‌رود. البته نکته‌ای که می‌بایست در اینجا به آن توجه داشت این است که جهانی شدن تأثیر یکسانی بر جوامع گوناگون ندارد و این تأثیر گذاری با توجه به ساختارهای سیاسی و اجتماعی و ظرفیت‌های داخلی کشورها، متفاوت است. از این رو جوامعی که از ساختارها و ظرفیت‌های مناسب و توسعه یافته برخوردار نیستند، بیش تر با چالش‌های ناشی از فرایند جهانی شدن در زمینه‌های مختلف از جمله هویت ملی مواجه می‌شوند. توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و تسهیل مبادلات و انتشار اطلاعات در فضای مجازی را می‌توان از مهم ترین دلایل پیشرفت جهانی شدن برشمرد. امروزه به دلیل رشد و گسترش فضای مجازی و توسعه‌ی ارتباطات و گسترش روابط میان گروه‌ها و جوامع مختلف، شمار زیادی از افراد در جوامع مختلف به درک تازه‌ای از چه کسی بودن خود رسیده‌اند که با تعاریف گذشته‌ی حاکم بر آن جوامع از هویت و هویت ملی متفاوت است که این مسئله موجب بروز نگرانی‌هایی در بسیاری از کشورها شده است. گسترش فضای مجازی موجب شده است که منابع معرفتی و عوامل تأثیرگذار بر

هویت ملی در جوامع مختلف نسبت به گذشته، متنوع‌تر و گسترده‌تر شود و همین مسئله باعث به وجود آمدن دگرگونی‌ها و تغییراتی در عرصه هویت ملی جوامع گشته است. فضای مجازی واقعیت نوظهوری است که با کارکردها و ویژگی‌های خود موجب بروز تحولات و موضوعات جدیدی شده و با ایجاد جوامع مجازی بر فرایندها و رویکردهای حاضر در جوامع واقعی تأثیر گذاشته و روابط و تعاملات نوینی را شکل داده است. شرایط فرهنگی و اجتماعی جدیدی که به واسطه رسانه‌های ارتباطی مجازی پدید آمده‌اند بر جنبه‌های مختلف کنش‌های انسان‌ها در جوامع مختلف تأثیر گذاشته است. از آنجا که افراد از طریق این رسانه‌ها رابطه‌ای غیر فیزیکی و فکری با یکدیگر برقرار می‌کنند، کمتر احتیاج به نزدیکی فیزیکی و جغرافیایی جهت برقراری ارتباط و تعامل با یکدیگر دارند. این گونه ارتباطات بدون مرز مجازی توانسته است موجب بروز تغییرات و تحولات در نگرش‌های افراد جوامع مختلف نسبت به هویت ملی خود و مبانی شکل‌دهنده‌ی آن هویت گشته و جوامع را با مسئله بحران هویت ملی مواجه سازد. مطالعات و تجربیات بیان‌گر آن هستند که فضای مجازی با کارکردهایش موجب تضعیف هویت ملی در بسیاری از جوامع شده است. نکته مهم این است که فضای مجازی علی‌رغم فرصت‌ها و تأثیرات مثبتی که در عرصه‌های مختلف از جمله هویت برجای می‌گذارد، لکن در آن عرصه‌ها به‌ویژه عرصه هویت، مخاطرات و تهدیدات اساسی نیز می‌آفریند که می‌تواند موجب تضعیف هویت ملی جوامع گردد. از نگاه این پژوهش، تهدیدآمیز گشتن فضای مجازی برای هویت ملی، بیشتر برای آن دسته از کشورهایی صدق می‌کند که در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی سیاست‌های واقع‌گرایانه را سرلوحه کار خویش قرار نداده و تکلیفشان با تحولات، دگرگونی‌ها و الزامات ناشی از فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی مشخص نشده و برخوردی سلبی و تقابلی با آن‌ها دارند. طرفداران دیدگاه تضعیف هویت ملی در عصر جهانی‌شدن به لحاظ نظری بیشتر از مفروضات رهیافت فرهنگ جهانی به‌ویژه بحث فشرده شدن زمان و مکان سود می‌برند. بر طبق این رویکرد،

رشد و گسترش فضای مجازی موجب نزدیکی و تأثیرپذیری فرهنگی جوامع و فراگیرشان فرهنگ مدرن در سطح جهانی شده و همین موضوع موجب ایجاد چالش‌هایی برای هویت‌های ملی می‌گردد. به‌طور کلی سخن اصلی پژوهش این است که گستردگی و فراگیر بودن فضای مجازی و تأثیرات اساسی آن در عصر جهانی‌شدن، موجب شکل‌گیری، تقویت و برجسته شدن الگوهای هویتی دیگری غیر از هویت‌های ملی یعنی هویت فراملی و هویت‌های فروملی (قومی) و در نتیجه، ایجاد تزلزل در تعیین و انتخاب ترجیحات و اولویت‌ها در میان سطوح هویتی و شکاف و تعارض هویتی و بروز بحران هویت و تضعیف هویت ملی در بسیاری از جوامع گشته است. همان‌گونه که بیان شد، جهانی‌شدن و فضای مجازی در کنار چالش‌هایی که ایجاد می‌کنند، فرصت‌ها و امکاناتی را نیز پیش‌روی دولت‌ها قرار می‌دهند که در صورت شناخت صحیح این پدیده‌ها و مواجهه‌ی منطقی با آنها، می‌توانند از آن فرصت‌ها بهره‌برده و بر چالش‌ها غلبه نمایند. تنها در این صورت است که می‌توان به تقویت و صیانت از هویت ملی پرداخت؛ بنابراین دولت‌ها نباید هراسی برای ورود به فرایند جهانی‌شدن داشته باشد و به‌جای برخورد انفعالی، می‌بایست به‌طور فعالانه با آن و ابزارهایش از جمله فضای مجازی مواجه شوند. به‌طور کلی اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش، از یک‌سو به دلیل نقش مهم هویت ملی در ایجاد همبستگی ملی در جامعه و کمک به دستیابی کشور به امنیت، ثبات و توسعه و از سوی دیگر به خاطر تأثیر اساسی فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی بر هویت ملی است. به‌باور نگارنده، اهمیت بحث حاضر به‌اندازه‌ای است که بدون پی‌بردن به چگونگی و میزان تأثیر جهانی‌شدن و فضای مجازی بر هویت ملی، نمی‌توان به تصویری روشن درباره‌ی آینده‌ی این هویت و کشور دست پیدا کرد. این‌گونه از مطالعات می‌توانند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف از جمله ایران را نسبت به چالش‌های پیش‌روی هویت ملی آگاه نموده و چگونگی مقابله با آنها را به آنان نشان دهند.

۱. تعریف و چیستی مفاهیم

۱-۱. هویت ملی

در اولین گام برای بررسی چیستی هویت ملی، می‌بایست مفهوم هویت را تعریف کرد؛ «هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها. فرد این خصوصیات را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و به سؤال «من کیستم؟» پاسخ می‌دهد» (خدایی و مبارکی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در شکل‌دهی و سازمان‌دهی هویت هر فرد، دو عنصر دخالت دارند: تعریف ما از خود و تعریف ما از دیگران (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۶). در میان هویت‌های موجود در یک جامعه، هویت ملی عالی‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها است (woodward, 2000). در واقع هویت ملی را می‌توان زیربنای سایر هویت‌ها دانست (Poole, 2003). به‌طور کلی میان «هویت ملی جامعه (کشور)» و «هویت ملی اعضای جامعه» باید تفکیک نمود؛ هویت ملی جامعه، به معنای مجموعه‌ای از نشانه‌ها، مبانی و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و اندیشگی است که موجب تفاوت جوامع و ملت‌ها از یکدیگر می‌شود و مقصود از هویت ملی اعضای جامعه نیز آگاهی و احساس تعلق خاطر افراد جامعه نسبت به اجتماع ملی و عناصر شکل‌دهنده‌ی آن از جمله تاریخ مشترک، دین مشترک، فرهنگ مشترک و ... است. هویت ملی در معنای اخیر آن، به‌عنوان «آگاهی از تفاوت» و «احساس و شناسایی ما از آن‌ها» شناخته می‌شود (احمدپور و سراج زاده، ۱۳۹۸: ۶). در رابطه با چگونگی تکوین هویت ملی جوامع، با دودسته کلی مواجه هستیم:

۱. هویت‌های ملی‌ای که در دوره مدرن ایجاد شده و متأثر از ظهور دولت‌های ملی و اندیشه‌های ناسیونالیستی در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم می‌باشند. اکثر کشورهای کنونی جهان دارای چنین هویت ملی‌ای می‌باشند.

۲. هویت‌های ملی‌ای که قرن‌ها قبل از پیدایش دولت‌های ملی در اروپا، شکل گرفته و در فراختای تاریخ توانسته‌اند پایداری، پویایی و موجودیت خویش را حفظ کرده و تداوم بخشند. «هویت ملی در جوامع قدیمی و کهن، واقعیتهای مصنوعی و خلق‌الساعه نیست، بلکه حاصل تحولات تاریخی چندین‌قرنی است که با گذار از مراحل مختلف به شکل فعلی رسیده است» (مرتضایی فریزه‌ندی و ادریسی، ۱۳۹۳: ۷۶). کشورهایمانند ایران، چین، مصر، یونان و ... دارای چنین هویت ملی می‌باشند. علاوه بر این، در تاریخ بشری می‌توان از دو نوع هویت ملی اعضای جامعه نام برد: «۱. هویت ملی مدرن، یعنی احساس تعلق به دولت‌های مدرن که از قرون پانزدهم به بعد در عرصه اروپا و بعدها در سایر نقاط جهان پیدا شدند و ۲. هویت ملی پیشامدرن، یعنی احساس تعلق به واحدهای سیاسی و سرزمین کهنی که از دوران گذشته وجود داشته، تداوم پیدا کرده و امروزه نیز به همان نام وجود دارند» (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۵). همچنین در اینجا می‌بایست به دو نکته اساسی توجه داشت: نخست این که «هیچ ملتی هرچند تازه و نوین‌یاد و بدون تاریخ طولانی، بی‌نیاز از داشتن هویت ملی نیست، چراکه هویت ملی بزرگ‌ترین عامل در ایجاد وفاق اجتماعی و استواری ارکان جامعه است» (ربانی، ۱۳۸۱: ۸۹)؛ به همین دلیل، دولت‌ها و «جوامع از هویت‌سازی ملی به‌عنوان ابزاری جهت ایجاد بالاترین حس تعلق جمعی و ایجاد انسجام ملی استفاده می‌کنند» (نواصری، ۱۳۹۹: ۱۱ و ۱۶). دیگر این که هویت ملی پدیده یا امری ثابت و تغییرناپذیر نیست و همواره بر اثر عوامل مختلف در معرض دگرگونی و تحول است (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۲؛ زهیری، ۱۳۸۹: ۴۵-۶۰).

۲-۱. جهانی‌شدن

جهانی‌شدن پدیده‌ای است که جنبه‌های مختلف زندگی انسان را در جوامع مختلف تحت تأثیر قرار داده است. «در خصوص تاریخچه پیدایش جهانی‌شدن، برخی معتقدند جهانی‌شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر دوره‌ای مسیری را طی کرده است» (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۳). عده‌ای آغاز این پدیده را با آغاز نظام

سرمایه‌داری در قرن شانزدهم و شروع استعمار هم‌زمان می‌دانند و گروهی دیگر نیز جهانی‌شدن را پدیده‌ای جدید و تداوم مدرنیته می‌دانند، به گونه‌ای که در دهه‌های پایانی قرن بیستم مطرح و به شدت طی مدت‌زمان کوتاهی اوج گرفت و بخش‌های مختلف حیات بشری را از خود متأثر ساخت (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۷۸). نگارنده با دیدگاه آخر هم-نظر است. از دیدگاه پژوهش حاضر، جهانی‌شدن پدیده‌ای جدید است و مختصات و ویژگی‌های آن را نمی‌توان در قرون گذشته مشاهده کرد (ر.ک: قوام، ۱۳۸۴). جهانی‌شدن را در یک عبارت کلی می‌توان فرایندی دانست که دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته، به طوری که در نتیجه‌ی شکل‌گیری و گسترش آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق، کشورها و افراد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «مقتضیاتی که فرایند جهانی‌شدن را پدید آورده‌اند نیز بدین ترتیب می‌باشند: گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به فراتر از مرزهای سیاسی، مناطق و قاره‌ها؛ جریان آزاد تجارت، سرمایه، پول، فرهنگ و اقتصاد؛ گسترش ارتباطات و نظام‌های جهانی؛ حمل‌ونقل و ارتباطات که موجب درهم آمیختن اندیشه‌ها و علوم شده است؛ و از بین رفتن مرزهای بین امور محلی و جهانی» (نادمی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، مقاله‌ی حاضر، جهانی‌شدن را به مثابه یک پروسه یا فرایندی منسجم و یکپارچه می‌داند که به تدریج تأثیرات خود را در حوزه‌های مختلف از جمله هویت ملی نشان داده و می‌دهد.

جهانی‌شدن دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که در تحقیق حاضر تنها به بُعد فرهنگی آن توجه می‌شود. بُعد فرهنگی جهانی‌شدن ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی است. «در رابطه با تأثیرات جهانی‌شدن در عرصه فرهنگ می‌توان به گسترش اجتناب‌ناپذیر ارتباطات و کاهش روزافزون فاصله‌ها، جهانی‌شدن چالش‌ها و فرصت‌های موجود و الگوهای رفتاری و هویتی در عرصه‌های

مختلف، جهانی شدن افق ذهن و دید بشر و ... اشاره کرد» (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵؛ میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۴). تا پیش از ظهور و گسترش جهانی شدن، دولت‌ها تا حد زیادی بر فرهنگ و جریان‌های فکری و اندیشگی جامعه‌ی خود مسلط بودند، اما این موضوع در عصر حاضر تغییر کرده و جهانی شدن، توان دولت‌ها را در اجبار نمودن افراد جامعه به شیوه خاصی از زندگی و محدودسازی مرزهای خود و ممانعت از نفوذ فرهنگ‌های دیگر به درون کشور به حداقل رسانده است (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۲۳۷ و ۲۳۸).

۳-۱. فضای مجازی

فضای مجازی به مفهوم عام آن، مخلوق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بوده و داده‌ها و اطلاعات، پرتوهای نوری، الکترون‌ها، بیت‌ها، بایت‌ها، فایل‌ها، سایت‌ها، کابل‌ها و ... به‌عنوان اجزاء سیستم و زیرساخت فضای مجازی هرکدام در این فضا دارای مکان مشخصی هستند که در رابطه‌ای نظام‌یافته قرار گرفته‌اند و با عملکرد همدیگر متنی نظام‌مند را تشکیل می‌دهند. در مفهوم خاص آن، فضای مجازی به عرصه‌ای گفته می‌شود که با استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات و شبکه اینترنت، اجزاء و ساختارهای آن یا بر پایه واقعیت‌های شبیه‌سازی شده و ... طراحی و ابداع شده باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۸-۱۱؛ Saha, 2009: 489). فضای مجازی محیط الکترونیکی است که ارتباط انسانی را به شیوه‌های سریع و فراجغرافیایی (بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی) با ابزارهایی خاص و به‌طور مستقیم میسر می‌سازد و از آن جهت که برخاسته از اطلاعات نامرئی-اطلاعاتی است، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد (میرمحمدی، ۱۳۹۴). اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه جلوه‌های اصلی فضای مجازی به شمار می‌روند.

فضای مجازی از ویژگی‌های منحصر به فرد و متمایز کننده‌ای چون: دیجیتالی بودن، ظرفیت بالای ذخیره‌سازی اطلاعات و آزادی انتشار آن‌ها، تعاملی بودن، نامحسوس بودن فاصله‌های فیزیکی، حذف سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری، جهانی بودن فضا، گمنامی و ناشناخته بودن کاربران، فرازمانی بودن، محدود نبودن به قوانین مدنی دولت‌های ملی و ...

برخوردار است (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۴؛ عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۵۹). از جمله فرصت‌هایی که فضای مجازی برای بشر فراهم می‌کند می‌توان به این موارد اشاره کرد: تمرکززدایی از رسانه‌های دیجیتال و امکان دسترسی یکسان و آزاد کاربران به اطلاعات؛ توسعه پژوهش، علم و خلاقیت در جهان از طریق تأمین، تمرکز، ذخیره‌سازی، دسترسی و پخش اطلاعات و دانش علمی؛ تعامل و هم‌زیستی جهانی بین انسان‌ها از کشورها، هویت‌ها، اقوام و ادیان مختلف و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و هویت‌های جهانی و سیال؛ کثرت‌گرایی سیاسی و فرهنگی به موازات هم‌زیستی و هم‌گرایی جهانی و ایجاد فرصت برای ابراز وجود و معرفی ویژگی‌ها، هویت‌ها و علائق گروه‌های انسانی بر پایه مؤلفه‌های مکانی و جغرافیایی، قومی، دینی و ...؛ کاهش هزینه و زمان برای انجام فعالیت‌ها به وسیله افراد، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها و حکومت‌ها (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۳۵؛ Bruns, 2008).

۲. رابطه (نسبت) جهانی‌شدن و فضای مجازی

فضای مجازی را می‌توان یکی از ابزارهای اصلی فرایند جهانی‌شدن برشمرد. به طوری که «وقتی واژه جهانی‌شدن مطرح می‌شود، برای بسیاری از افراد مسئله فناوری و انقلاب ارتباطات تداعی می‌شود. در واقع جهانی‌شدن بیان‌گر تحولات و پیشرفت‌هایی است که در عرصه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات (فضای مجازی) به وقوع پیوسته است» (شهرام نیا، ۱۳۸۶: ۳۵۲). به طور کلی جامعه بشری تاکنون دو عصر رسانه‌ای را تجربه کرده که عصر نخستین آن با توسعه وسایل ارتباط جمعی و گسترش جغرافیایی پیام، به نوعی حامل فرستنده‌گرایی شد. دوره‌ی بعد که با توسعه و ادغام فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و دسترسی سریع مخاطبان به اطلاعات همراه بود و مخاطبان نقش محوری‌تری در فرایند تولید پیام یافتند، بر مفهوم جامعه اطلاعاتی تأکید شد (هاشمی‌زاده و انصاری نسب، ۱۳۹۶: ۲۶۱؛ نواح و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹۳). جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای است که در آن کیفیت زندگی و دورنمای تغییرات اجتماعی به گونه‌ای فزاینده و محسوس به اطلاعات و

توسعه دانش و فناوری‌های اطلاعاتی وابسته بوده و از آن تأثیر می‌پذیرد (کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱: ۵۴؛ بشیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۶).

به دلیل گسترش دامنه تأثیر رسانه‌های جمعی ارتباطی، جامعه اطلاعاتی امروزه بُعدی جهانی پیدا کرده و موتور محرکه این تحولات نیز انقلاب و انفجار اطلاعات و تحولات پرشتاب علمی و فن‌آورانه بوده است (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۲۶). تعابیر مختلفی همچون انقلاب اطلاعات، انفجار اطلاعات، انقلاب تکنولوژی‌های ارتباطی، عصر تکنولوژیک‌ها، عصر رسانه‌های الکترونیک و ... که برای توصیف تحولات ناشی از رشد و گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به کار می‌رود، همگی نویدبخش جامعه جدیدی است که در آن تحولی شگرف در سرعت، حجم و کیفیت انتقال اطلاعات و ارتباطات به وجود آمده است (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۵۳-۳۸۴؛ 9: Couldry, 2012). در اوایل ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، بهره‌برداری از آن‌ها تنها در اختیار کشورهای توسعه‌یافته بود اما به تدریج کشورهای جهان سوم و درحال توسعه نیز به این امکانات دست یافتند. می‌توان گفت «جهان امروزی به واسطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دیجیتال، به یک دنیای واحد تبدیل شده که از امکانات و اقتضات نوینی برخوردار است» (صانع‌پور، ۱۳۹۷: ۱۸۰). امروزه فضای مجازی و رسانه‌های آن‌چنان گسترش یافته‌اند که به نحوی بارز و چشم‌گیر در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در نقاط مختلف کره زمین نقش آفرینی می‌کنند (نظری و قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۲).

ظهور و گسترش رسانه‌های ارتباطی مجازی در ساختار تعاملات انسانی دگرگونی بنیادی ایجاد کرده و پیامد این امر شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات است که ارتباطات انسانی فراتر از زمان و مکان را ممکن ساخته و موجب افزایش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری جوامع از یکدیگر شده است (قربان‌زاده سوار و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵؛ کاظمی نجف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۶-۱۹۷). این مسئله خود نشان‌دهنده نقش فضای مجازی در فرایند جهانی شدن است. از این منظر، «جهانی‌شدن را می‌توان فرایند گسترش فزاینده ارتباطات در مقیاسی

جهانی به همراه حصول آگاهی از این فرایند دانست» (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۰) که نقش رسانه‌های فضای مجازی در ایجاد این وضعیت، اساسی است. پیش‌ازاین امکان تبادل افکار، عقاید، اطلاعات و ... از ورای مرزها امکان‌پذیر نبود، اما با وجود رسانه‌های نوین ارتباطی به‌راحتی و به‌سرعت منتقل می‌شوند. فضای مجازی موجب شده است که فاصله میان جوامع از بین برود و امکان ارتباط بین افراد در اقصی نقاط دنیا فراهم گردد. در عبارتی دیگر، ارتباطات میان انسان‌ها و جوامع که تا پیش‌ازاین محصور به محیط‌های شناخته‌شده و عینی بود، به عرصه‌ای نامحدود و غیرقابل رویت گسترش یافت. یکی از جنبه‌های مهم زندگی بشری که از فضای مجازی تأثیر پذیرفته است، هویت ملی است.

۳. دیدگاه آنتونی گیدنز درباره تأثیر جهانی‌شدن و فضای مجازی بر هویت

آنتونی گیدنز در چارچوب نظریه ساخت‌یابی‌اش، ظرفیت‌های بازتابی انسان عصر جهانی‌شدن را موردسنجش قرار می‌دهد. بر طبق نظریه ساخت‌یابی، عامل انسانی و ساختار در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ به این صورت که تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و به‌واسطه‌ی همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. ساختار اجتماعی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های روزمره افراد و تبعیت از قاعده است و ساختار به آن قواعدی برمی‌گردد که در چنین کنشی نهفته است. گیدنز بر فراگردی دیالکتیکی تأکید می‌کند که طی آن ساختار و آگاهی ساخته می‌شود. وی حیات اجتماعی را به‌مثابه فرایندی در نظر می‌گیرد که مفهوم کلیدی آن، عمل اجتماعی است و دارای دو جنبه‌ی عاملیت و ساختار است (عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰). در خصوص جهانی‌شدن گیدنز معتقد است که نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره انسان نسبت به گذشته به‌طور اساسی متحول شده است. در شرایط جهانی‌شدن، ارتباط انسان‌ها با فراتر از مرزهای محلی و کنش متقابل آن‌ها با پدیده‌های اجتماعی که فراتر از مکان و سنت‌های مکان‌مندند، امکان نوع جدیدی از زندگی روزمره را به آن‌ها داده که ابعاد جهانی دارد. در اثر دیالکتیک موجود بین امور

محلی و جهانی، روابط اجتماعی و هویت‌های جدیدی شکل می‌گیرند که زندگی روزمره و سنت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۵). در عصر جهانی‌شدن، یک فرد در درون خود امکان بازیابی و بازتعریف وجود خود را می‌یابد و این مسئله موجب می‌شود که تحولی اساسی در جوامع انسانی بروز کند (گیدنز، ۱۳۷۸ الف: ۵۵-۷۰).

از نظر گیدنز، جهانی‌شدن ارتباطات و فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی (فضای مجازی) مهم‌ترین شاخص به‌هم‌پیوستگی جهانی و تشدید روابط اجتماعی است. «فناوری رایانه‌ای شبکه‌های جهانی اطلاعاتی، ماهواره‌ها [و ...] امکان به هم پیوستن و درهم‌تنیده روابط اجتماعی سرزمین‌های مختلف را فراهم می‌کند. در جهان ارتباطات الکترونیکی، تمامی مناطق دور و نزدیک جهان به هم مربوط و پیوسته هستند. در عصر جهانی‌شدن، هر چند دولت-ملت‌ها مضمحل نخواهند شد اما دیگر نمی‌توانند انحصار ارائه اطلاعات را به مردمان خود در دست داشته باشند و ناگزیرند که خود را با هویت‌ها و تعلقات جدید اجتماعی هماهنگ سازند. همان‌طور که استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات هر سال چند برابر می‌شود، آگاهی‌ها، پیوستگی‌ها و هویت‌های نو نیز شکل می‌گیرد که بنیاد زندگی بشر را دگرگون می‌کند» (گیدنز، ۱۳۷۸ ب: ۳۸-۴۰). در عصر کنونی با حضور رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی به‌ویژه ماهواره و اینترنت، تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید آمده که بر خصوصی‌ترین جنبه‌های تجارب انسان نیز تأثیر گذاشته است ... با توسعه ارتباطات جمعی به‌ویژه ارتباطات الکترونیکی، تداخل توسعه هویت شخصی و نظام‌های اجتماعی تا حد موازین و معیارهای جهانی و عام، بیش‌ازپیش محسوس شده است» (گیدنز، ۱۳۷۷).

گیدنز بر این باور است که فناوری‌های بسیار پیشرفته و کارآمد ارتباطی موجب جدایی مکان از زمان و فضا می‌گردد و این امکان را فراهم می‌آورد که زندگی اجتماعی در فضایی بسیار گسترده شکل بگیرد و توانایی مکان در محدود و مقید کردن روابط

اجتماعی و گستره زندگی اجتماعی بسیار کاهش یابد. از نظر وی، فضای مجازی با خارج نمودن افراد از محدوده‌های جغرافیایی خود و از بین بردن زمان و همچنین فروریختن مرزهای فرهنگی و افزایش ارتباطات فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر، در هویت افراد تأثیر می‌گذارد (عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۹). به باور او، در نتیجه‌ی گسترش فضای مجازی ما می‌توانیم در یک چشم به هم زدن در هر زمان و با هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم؛ ارتباطی آنی که بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی بشر از جمله هویت را تغییر داده و موجب شکل‌گیری «هویت‌های جدید» می‌شود. این هویت‌های جدید زندگی روزمره و سنت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به معنای جدیدی از خود برای افراد بشر می‌انجامد که محصول آن نیز «سیاست زندگی» یا «سیاست انتخاب» است. از نظر گیدنز، هویت‌های فردی در عصر جهانی‌شدن با خروج از چارچوب تنگ اجتماعی و سنتی به دنبال عناصر مدرن در عرصه جهانی می‌گردند. افراد سعی می‌کنند تا با الگوهای مصرف و علقه و تعهد خود به یک سبک زندگی مشخص، هویت خویش را تعریف کنند (گیدنز، ۱۳۷۷، گیدنز، ۱۳۷۸ الف و گیدنز، ۱۳۷۸ ب).

به نظر گیدنز، هویت همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد؛ به عبارتی هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه‌ی تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به وی تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش موردحفاظت و پشتیبانی قرار دهد. در نگاه گیدنز، سیاست زندگی مربوط به شیوه زندگی فرد است و دربردارنده‌ی تلاش مداوم فرد برای گزینشگری در یک محیط بازاندیشانه است که در آن دیگر سنت نقشی در ارائه معیارهای زندگی روزمره ندارد؛ بنابراین هویت انسان عصر جهانی‌شدن به روایت گیدنز، از خصلت بازاندیشانه یا بازتابی برخوردار است؛ بازتابندگی هویت به معنای سیال بودن هویت و تغییر آن در نتیجه تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه ظهور فضای مجازی است (گیدنز، ۱۳۷۷، گیدنز، ۱۳۷۸ الف و گیدنز، ۱۳۷۸ ب). همچنین گیدنز معتقد به احیاء

هویت‌های بومی و ناسیونالیسم‌های محلی در عصر جهانی‌شدن نیز است (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۳). وی تبیینی را مورد توجه قرار می‌دهد که می‌توان آن را هم‌زیستی هویت‌های جمعی خرد و کلان نامید؛ بدین معنا که در دوران جهانی‌شدن شاهد تعامل و هم‌نشینی هویت‌های جمعی محلی با هویت‌های جمعی کلان هستیم بدون این که وجود یکی دال بر ضدیت با وجود دیگری باشد (قادرزاده و احمدپور، ۱۳۹۰: ۴۰). به اعتقاد او، در عصر جهانی‌شدن، هویت‌های فرهنگی محلی امکان بروز بیشتری می‌یابند و تقریباً در همه ملت‌های جهان، هویت ملی در حال تجدیدنظر و بازاندیشی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۴-۹۰). جهانی‌شدن، بخشی از اختیارات و توانایی‌های دولت‌مردان و دولت - ملت‌ها را از آن‌ها می‌ستاند و آنان دیگر قدرت و نفوذ مستقیم و تام گذشته را ندارند یا به عبارت بهتر محدود شدن و تغییر مسیر قدرت دولت‌های ملی در عصر جهانی‌شدن و کاهش کنترل آن‌ها بر فرهنگ‌های محلی موجب می‌شود که فرهنگ‌های بومی و حتی نوع جدیدی از ناسیونالیسم‌های محلی، احیاء شده و سر برآورد. در عصر جهانی‌شدن، هویت‌های فرهنگی، محلی و بومی جدیدی شکل می‌گیرد. به باور وی، ما شاهد ظهور و بروز مناطق فرهنگی نو خواهیم بود که نوع جدیدی از هویت‌های فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. به نظر گیدنز، جهانی‌شدن موجب می‌شود هویت‌های فرهنگی و نیز پیوندهای اجتماعی تنها در محدوده دولت - ملت‌ها نبوده و هویت‌ها و نیروهای محلی‌ای که به دلیل فشار و کنترل دولت‌ها امکان ظهور و بروز نداشتند، دوباره سر برآورده و احیاء شوند. نیروها، گرایش‌ها و فرهنگ‌های جدید احیاء شده را نمی‌توان در قالب‌های سنتی همچنان با روابط سنتی حفظ کرد (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۳). در مجموع بر طبق نظر گیدنز فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی از طریق بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر کردن مرزها و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی، از یک سو منابع و شرایط لازم برای هویت‌سازی سنتی را تا حد بسیار زیاد از بین برده و بازسازی هویت و شکل‌گیری هویت‌های فراملی و سیال را امکان‌پذیر کرده و از سوی دیگر، موجب احیاء و اشاعه‌ی هویت گروه‌های فراملی و قومی شده‌اند.

۴. تأثیر فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی بر هویت ملی

با توجه به نظریات موجود در ادبیات سیاسی و اجتماعی، تغییر، تثبیت، تقویت، تضعیف و تکوین هویت ملی در هر جامعه‌ای با فناوری‌های ارتباط جمعی و محتوای پیام‌های آن‌ها ارتباط دارد (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۷). براین اساس، حوزه هویت ملی جوامع با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در عصر حاضر (موسوم به عصر جهانی‌شدن)، دستخوش تحولات و دگرگونی‌های بنیادینی گشته و پیامد آن شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که فرصت‌های نوینی را در جهت تجلی خود و هویت به وجود آورده است (سامانی و فراهانی، ۱۳۹۵: ۸۵-۸۶؛ Bannon and et al. 2015: 504). در گذشته، هویت فرد در تعاملات حضوری و به صورت چهره به چهره شکل می‌گرفت اما امروزه با ظهور و گسترش جهانی‌شدن و فناوری‌های نوین ارتباطی تعاملات به صورت مجازی در آمده است و به فرد این امکان را می‌دهد که با افرادی فراتر از مکانی که او در آن حضور دارد، ارتباط برقرار کرده (فرامرزیانی و جعفری، ۱۳۹۹: ۷۰) و هویت خود را شکل دهد. با اشاره به دیدگاه گیدنز می‌توان گفت که فرایند جهانی‌شدن با تحولاتی که در حوزه‌های مختلف به ارمغان آورده و کارکردهای دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کارکرد هویت‌سازی است. این فرایند با فرسایش و نفوذپذیر کردن مرزهای ملی و رها کردن امر اجتماعی از بستر مکانی زمینه‌ی جدایی جامعه و روابط اجتماعی و فرهنگی را از نهاد دولت فراهم کرد که این فرایند در مجموع توانسته است کارایی دولت‌ها را در عرصه هویت‌سازی کاهش دهد، به طوری که آن‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته و در فضایی بسته، انحصاری و امن به ساخت و ترویج هویت ملی بپردازند. جهانی‌شدن توانسته است مؤلفه‌های هویت ملی را خارج از اراده‌ی دولت‌ها به موضوع یک انتخاب تبدیل کرده و بدین وسیله آن‌ها را در این زمینه با چالش مواجه نماید (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۷۹-۹۱ و ۲۴۶؛ Pruthi, 2001: 481-482; Bauman, 2006: 133). از این رو اکثر جوامع مبتنی بر هویت‌های یک پاچه و ذات‌گرا با ویژگی-

های انسدادی دچار بحران در منابع هویتی خود می‌شوند (نواصری، ۱۳۹۹: ۲۵). همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، جهانی‌شدن این عمل را از طریق فضای مجازی انجام داده و می‌دهد. در این بخش به تأثیرات اساسی فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی بر هویت ملی پرداخته می‌شود.

۱-۴. تأثیر جهانی‌شدن و فضای مجازی در شکل‌گیری هویت فراملی

فرایند جهانی‌شدن بارها کردن منابع هویت‌ساز از قید مکان و سرزمین خاص، پخش و گسترش آن‌ها را در نقاط مختلف جهان آسان‌تر کرده و آزادی عمل فرد را در عرصه هویت‌سازی به نحو چشم‌گیری بالا برده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۲۵۰-۲۵۲؛ Pruthi, 2006: 133). فشرده‌گی و درهم‌تنیدگی جهان، کم‌وبیش این آگاهی را در افراد جوامع مختلف به وجود می‌آورد که همه آن‌ها بخشی از یک کل بزرگ‌تر (دنیای بشری) هستند. این مسئله موجب می‌شود تا افراد هویتشان را بر مبنای جهانی بازتعریف کنند. برجسته‌ترین وجه این جنبه از بعد فرهنگی جهانی‌شدن را می‌توان جهان‌گیر شدن ویژگی‌ها و نمادهای مدرنیته دانست (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۹۹ و ۱۴۷-۱۴۸). رشد فضای مجازی به‌عنوان ابزار جهانی‌شدن و گسترش فعالیت‌های ناشی از آن موجب کنترل ناپذیری کنش‌ها و فعالیت‌های کاربران فضای مذکور از سوی دولت‌ها و شکل‌گیری منابع جدید هویتی می‌شود. رسانه‌های فضای مجازی می‌توانند با ایجاد دوگانگی ارزشی - ساختاری، موجب از بین رفتن یا کاهش پایداری افراد به هویت‌های مستقر شوند. در دهه‌های اخیر کارکرد هویت‌سازی به عرصه فضای مجازی انتقال یافته و این عرصه به مهم‌ترین منبع در شکل‌دادن، تفسیر و انتقال هویت‌ها تبدیل شده است (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹). امروزه هویت را همانند گذشته، تنها نمی‌توان وابسته به اجزائی مثل افراد، مکان‌ها و زمان‌ها دانست، بلکه تعلقات هویتی افراد، بستگی زیادی به نحوه و مدت‌زمان استفاده آن‌ها از فضای مجازی پیدا کرده است. این موضوع بر چگونگی احساس افراد نسبت به هویت ملی‌شان تأثیر بسزایی دارد. هرچه میزان و مدت مواجهه افراد با رسانه‌های

فضای مجازی بالا رود و هرچه کاربران محتوای مواجهه را واقعی‌تر تلقی کنند، بیشتر از رابطه خود با این رسانه‌ها در جهت بازبینی هویت ملی خود بهره می‌برند و لذا احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر خواهد شد (زارعی، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۲؛ عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۳). در واقع ویژگی‌ها و قابلیت‌های فضای مجازی امکان شکل‌گیری نوع ویژه‌ای از حوزه عمومی را فراهم ساخته است که در آن افراد عملاً قادر خواهند بود تا بسیاری از مفاهیم مسلم در حوزه‌های مختلف زندگی از جمله هویت ملی را به چالش گرفته و آن را موضوعی جهت بحث و بازاندیشی قرار دهند (گرگی، ۱۳۸۵: ۵۸).

در عصر حاضر، رسانه‌های ارتباطی فراملی در اکثر جوامع به فضایی برای دگرگون‌سازی و اختلاط هویت‌های ملی با هویت جهانی تبدیل شده‌اند، به طوری که یکی از تأثیرات اساسی این رسانه‌ها در گستره ملی و فراملی، کم‌رنگ کردن مرزهای هویتی جدید در میان مخاطبان است (صالحی امیری و افروغ، ۱۳۹۲: ۵۳). این رسانه‌ها موجب می‌شوند که فرد به هویت فراملی و جهانی گرایش پیدا کرده و کمتر با معرف‌های هویت ملی و مرزهای جغرافیایی مشخص هم ذات‌پنداری کرده و خود را تعریف نماید (جعفری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۴). به عبارتی دیگر، در وضعیت جدید، افراد هرچه قدر بیشتر وارد گردونه‌ی کسب اطلاعات دیجیتال می‌شوند، به همان اندازه نقش بیشتری در فرایند جهانی‌شدن ایفا کرده و تأثیر بیشتری نیز از آن می‌پذیرند (مصدری و حسینی سروری، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

قابلیت‌های فضای مجازی حس تحرک بی‌سابقه‌ای را به درون فضای اجتماعی تزریق کرده است. این حس بدان معناست که در فضای مجازی امکان تغییرات هویتی برای افراد وجود دارد. فرد در لحظه‌ای آنی می‌تواند جنس، نژاد، طبقه اجتماعی و ملیت خود را پنهان ساخته و با ویژگی‌های جدید، هویت جدیدی برای خود تعریف کند و بر اساس آن به تعامل با هویت‌های واقعی یا مجازی دیگر بپردازد و در نتیجه‌ی این تعاملات به تدریج هویت مجازی در فرد نهادینه شود (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۷). افراد به واسطه‌ی

فرو غلتیدن در نوعی «کثرت دم‌افزون هویتی» ناشی از فضای مجازی، دچار نوعی نسبی‌گرایی هویتی شده و با توجه به هویت فراملی کسب‌شده از سوی آن‌ها، هویت ملی-شان دچار خدشه می‌گردد (اکبری، ۱۳۹۶: ۱-۲؛ میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۲۹).

امروزه هویت بسیاری از افراد، بیش‌ازپیش با آنچه مصرف می‌کنند ارتباط می‌یابد و «مصرف به منبعی برای تعریف و بازتعریف هویت‌های جدید در افراد شده است» (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۸۹). درواقع از مهم‌ترین مشخصه‌های سبک زندگی متأثر از فضای مجازی، انتخابی بودن هویت است، به این معنا که دست افراد را در شکل‌دهی به هویت خود باز می‌گذارد (حسینی پاکدهی و یارقلی، ۱۳۹۱: ۱۳۵) و نکته اینجاست که اغلب افرادی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند، درنهایت، هویتی جهانی می‌یابند. در فضای مجازی افراد با یک هویت واحد سروکار ندارند، بلکه در شاه‌راهی به سر می‌برند که در آن مرتب مواجهه‌هایی صورت می‌گیرد. این مواجهه‌ها به شکل ساده و رویارویی چهره به چهره نیست، بلکه به صورت مبادله الکترونیکی و راه دور است و طی آن هویت‌ها به شکل غیرمعمولی به نمایش گذاشته می‌شوند؛ بنابراین در فضای مجازی و در نتیجه‌ی تضعیف سلسله‌مراتب ارتباطی، افراد مجال بیشتری برای ارائه هویت موردنظر خویش جدای هویت ملی پیدا می‌کنند (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۴).

۲-۴. تأثیر جهانی‌شدن و فضای مجازی در تقویت هویت‌های قومی

فرایند جهانی‌شدن زمینه و امکان عرض‌اندام و تقویت فرهنگ‌ها و هویت‌های بومی و محلی را نیز فراهم کرده است. نکته مهم در اینجا این است که فرایند مذکور از یک‌سو با اشاعه ارزش‌های عام جهانی، هویت‌ها و خاص‌گرایی‌های قومی را تضعیف می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند آن‌ها را تقویت نماید که تمرکز این پژوهش، بر جنبه دوم است. هویت قومی را می‌توان به معنای آگاهی و احساس تعلق اعضای یک گروه قومی نسبت به نمادها، ارزش‌ها و ویژگی‌های قومی خاص در نظر گرفت. تحولات صورت گرفته در زمینه فرهنگ‌های محلی و بومی به‌ویژه قومیت در حال حاضر به حدی است که می‌توان

گفت با فرصت سیاسی جدید و گفتمان نوین احیاء و تقویت هویت‌های قومی مواجه هستیم (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۰ الف و کریمی، ۱۳۹۰ ب؛ Taylor and Spencer, 2004). به‌طور کلی از آنجایی که تقریباً هیچ کشوری از ملتی که به‌طور خالص از یک قوم باشد تشکیل نشده است، مسئله قومیت و جنبش‌های قومی همواره از مسائل سیاسی عمده به‌شمار می‌آید (بشیریه، ۱۳۹۸: ۸۶).

دیدگاه‌های معتقد به گسترش قوم‌گرایی در عصر جهانی‌شدن، از آن لحاظ این فرایند را برای هویت ملی چالش‌برانگیز می‌دانند که در جریان پرشتاب و فراگیر جهانی‌شدن، حفظ و بازسازی هویت ملی توسط دولت به دلیل افزایش هزینه‌های اعمال قدرت و کاهش هزینه‌های مقاومت گروه‌های حاشیه‌ای بسیار دشوار شده است. از این منظر، رشد و گسترش فضای مجازی، عامل مهمی در رشد حرکت‌ها و هویت‌جویی‌های قوم‌گرایانه در نظر گرفته می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۱۱-۲۱۲). امکانات ارتباطی و اطلاعاتی عصر جهانی‌شدن، گروه‌های قومی را در جوامع قومی قادر ساخته است تا به تقویت هویت قومی‌شان پرداخته و به‌نوعی، توازن قدرت را در رقابت با دولت برخلاف مسیر قبلی به‌پیش ببرند و آن را متحول سازند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). کاهش نقش دولت‌ها در مقابل رشد فزاینده‌ی آگاهی‌ها و فعالیت‌های گروه‌های قومی، آن‌ها را در برابر وضعیت و تقاضاهای جدیدی قرار داده است به‌طوری که امکان بازگشت به سیاست‌های یک‌سویه‌ی قبلی را از بین برده است، به‌طوری که «وقتی دولت‌ها درصدد اتخاذ و اجرای چنین سیاست‌هایی برآیند، با واکنش خصمانه گروه‌های قومی مواجه می‌شوند» (نساج، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸: ۱۳۲). گروه‌های قومی می‌توانند ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی، با ایجاد اجتماعات مجازی، امکان بازاندیشی، بازسازی و احیای مجدد هویت خویش را بیابند و عملاً از طریق برقراری ارتباط با دیگر گروه‌ها و اقلیت‌های قومی در سراسر جهان و یکپارچه نمودن خواسته‌های خود در عرصه‌های ملی و جهانی به نیروی مؤثری در تغییر سیاست‌های هویتی مبدل گردند (گرگی، ۱۳۸۵: ۵۸-۶۱؛ Elkins 1997).

به‌طور کلی ظهور رسانه‌های نوین ارتباطی و سهولت دسترسی به آن برای گروه‌های قومی و اعضای آن‌ها از چند جهت اهمیت دارد: اول این که سهولت ایجاد ارتباط همراه با سرعت آن و انتقال آگاهی به اعضای هم‌گروه از ویژگی‌های بارز این رسانه‌ها است. با کمک این وسایل، اعضای گروه‌های قومی به هویت خویش آگاه شده و می‌توانند فارغ از این که در کدام کشور قرار دارند، خواسته‌ها و تمایلات خویش را به راحتی به هم‌کیشان خود برسانند. دومین تأثیر این است که این اعضاء با توجه به آگاهی‌هایی که توسط این رسانه‌ها پیدا کرده‌اند همچنان به راحتی عقاید خویش را برای سایرین مطرح کرده و در تمام جنبه‌ها به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند، از این رو خودآگاهی به دست آمده انتظاراتی را پدید می‌آورد (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۹۴). گروه‌های قومی با بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی، هم فرهنگ، هویت و مطالبات خود را جهانی می‌سازند و هم از اهرم‌ها و سازوکارهای نظارت بین‌المللی عمومی و خصوصی بر حقوق اقوام و اقلیت‌ها برای دفاع از حقوق قومی و اعمال فشار علیه دولت‌ها استفاده می‌کنند. به‌علاوه، این امکانات پتانسیل آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی، تبلیغات و بسیج سیاسی گروه‌های قومی را افزایش داده و ظرفیت آن‌ها را برای تقویت و گسترش پویای سیاسی ارتقا می‌دهد. گروه‌های قومی این امکان را می‌یابند تا با مخاطب قرار دادن نهادهای جامعه مدنی و افزایش سطح آگاهی آن‌ها از محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌های وارده بر خود، به کمک آنان فشار مضاعفی علیه دولت برای تحقق خواسته‌هایشان اعمال کرده و با زیرسوال بردن مشروعیت، اقتدار و کارکردهای دولت، وفاداری گروه‌های قومی نسبت به دولت و هویت ملی را تضعیف نمایند. گروه‌های قومی فعال در فضای مجازی می‌توانند دولت-قومیت‌های جدیدی را بدون اصرار بر هویت سرزمینی به وجود آورده و بدین وسیله موجب شکل‌گیری چندپارگی سیاسی-فرهنگی در کشور و بروز شکاف در هویت ملی شوند (جنیدی جعفری و کوثری مقدم، ۱۳۹۲: ۳۰؛ کریمی، ۱۳۹۰ الف: ۹۵؛ نظری و قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۳). می‌توان گفت، متزلزل گشتن و نسبی شدن منبع هویت‌یابی سنتی در نگاه افراد و

ظهور منابع هویت‌یابی جدید و فراملی و همچنین تقویت هویت‌های قومی در نتیجه‌ی فرایند جهانی‌شدن و ظهور و گسترش فضای مجازی، می‌تواند جوامع را با مسئله بحران هویت ملی و تضعیف آن مواجه نماید، کما این که تا به امروز نیز بسیاری از جوامع به ویژه جوامع در حال توسعه را با این مشکل مواجه ساخته است. بحران هویت ملی به وضعیتی گفته می‌شود که افراد جامعه، شناخت لازم و تعلق خاطرشان را نسبت به ملیت و مبانی هویت ملی خویش از دست داده یا حالتی مردد نسبت به آن‌ها پیدا می‌کنند که در نهایت این وضعیت می‌تواند موجب تضعیف هویت ملی کشور گردد. نکته اساسی در این است که پیدایش بحران در عرصه هویت ملی می‌تواند به بحران‌های دیگری نظیر بحران وحدت و یکپارچگی و بحران ثبات نظام سیاسی نیز بیانجامد.

۵. الزام دولت‌ها به منظور صیانت از هویت ملی در عصر جهانی‌شدن

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی بر کارکردهای دولت‌ها از جمله در زمینه هویت‌سازی و هویت‌بانی تأثیر گذاشته‌اند و آن‌ها دیگر از اختیاراتی که پیش‌ازین در این عرصه برخوردار بوده‌اند، برخوردار نمی‌باشند و مجبورند به تحولات ناشی از پدیده‌های مذکور توجه نمایند. به‌طور کلی بر اثر فرایند جهانی‌شدن و ابزارهای آن، دولت‌ها اقتدار نهایی خود در حوزه سیاست‌گذاری هویتی را از دست داده‌اند، به‌طوری که «دیگر نخواهند توانست به راحتی برخلاف مسیر تحولات فرهنگی جهان خودسرانه به این امر دست بزنند. در واقع در عصر جهانی‌شدن، بخشی از این کار ویژه‌ی دولت‌ها به مراجع بین‌المللی یا فراملی منتقل شده است» (بشیریه، ۱۳۸۳ الف: ۶۵۵). البته نکته اساسی در اینجا این است که دگرگونی در این کارکرد دولت، در همه‌جای دنیا به یک‌شکل و صورت نیست (قوام، ۱۳۸۴: ۶۷)، بلکه کشورهای مختلف بسته به میزان توانایی و امکانات خود، واکنش‌های متفاوتی نسبت به تحولات هویتی جهانی‌شدن نشان می‌دهند. نکته مهم از دیدگاه پژوهش حاضر این است که علی‌رغم این که جهانی‌شدن توانسته است بر ساختار و کارکرد دولت تأثیر بگذارد، اما نتوانسته آن

را از صحنه‌های زندگی داخلی و بین‌المللی بشری حذف کند، به طوری که دولت همچنان نیز اصلی‌ترین بازیگر این عرصه‌ها است. می‌توان گفت که به‌رغم گسترش جهانی‌شدن و ارتباطات و کاهش توان دولت‌ها برای تأثیرگذاری‌های فرامرزی، مرزهای ملی همچنان تحت حاکمیت دولت‌ها است. در واقع بنیاد فلسفی دولت‌ها و اقتدار آن‌ها چیزی نیست که با توسعه شبکه ارتباطی و توسعه تماس انبای بشر فروریزد (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۵؛ حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹). بر این اساس نباید قضاوت شتاب‌زده‌ای درباره زوال دولت و نقش آن داشت. برای نمونه، دولت‌ها همچنان زیرساخت‌های فضای مجازی را با قدرت در کنترل دارند و از طریق آن می‌توانند فضای مجازی و جریان حرکت اطلاعات را در آن کنترل و مدیریت کنند، دوم آن که تجربه نشان داده است که دولت‌ها با قدرت تمام فضای ملی و مرزهای خود را در رابطه با فضای مجازی کنترل می‌کنند، سوم این که دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در تلاش‌اند تا فضای مجازی و کاربری آن را ضابطه‌مند و قانون‌مند کنند (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۹). با توجه به آنچه بیان شد، مقاله‌ی حاضر بر این باور است که در زمینه هویت ملی، امروزه دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای منطقی و مناسب، به مقابله با چالش‌های هویتی پرداخته و بدین‌وسیله به تقویت هویت ملی کشورشان کمک نمایند. به‌طور کلی اهمیت نقش هویت ملی در ایجاد انسجام ملی دولت‌ها را ملزم به اتخاذ خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کارآمد و سازنده در راستای احیاء و تقویت هویت ملی می‌نماید (مقصودی، ۱۳۹۱: ۵).

سیاست هویتی کارآمد، باید بتواند چالش‌های پیش‌روی هویت ملی جامعه را به فرصت تبدیل نماید. سیاست‌گذاری هویتی در هر نظام سیاسی تابعی از عوامل داخلی و خارجی است. بر این اساس تدوین هرگونه راهبرد و برنامه در عرصه هویت ملی [به‌منظور حفظ و تحکیم آن]، به شناخت عوامل و بنیادهای مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ و هویت جامعه نیاز دارد و این که اولیای امور باید هرگونه استراتژی و برنامه‌ریزی هویتی را بر [واقعیات داخلی و بین‌المللی] بنا کنند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۰۰) که یکی از واقعیات عصر کنونی در

عرصه بین‌المللی، گسترش جهانی‌شدن است. کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته، در مواجهه با فرایند جهانی‌شدن، به‌طور کلی دو راه‌حل پیش‌رو دارند: «یا این‌که به این فرایند با ضوابط و پیامدهای مثبت و منفی آن پیوندند و سعی کنند نهایت بهره‌برداری را برای شهروندان خود به دست آورند و یا این‌که در جریان‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی به صورتی مبهم با آن عمدتاً مواجهه منفی داشته باشند و موضوع عضویت را به تأخیر اندازند» (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۱۲۳). در فضای جهانی شده‌ی کنونی، حفظ و تحکیم هویت ملی نیازمند شناخت ابعاد و ویژگی چالش‌ها از یک‌سو و فرصت‌ها از سوی دیگر است. فرایند جهانی‌شدن و تحولات اطلاعاتی و ارتباطی ناشی از آن، واقعیتی ملموس و ضرورتی گریزناپذیر است و هر جامعه‌ای که خواهان حفظ و تحکیم هویت ملی‌اش است، چاره‌ای ندارد جز این‌که خود را با این جریان سازگار کرده و آن را به رسمیت بشناسد. با این فرض کلیدی که آثار جهانی‌شدن بر جوامع درحال توسعه و توسعه‌نیافته، به دلیل عدم برخورداری آن‌ها از ساختارها و ظرفیت‌های مناسب برای مواجهه با جهانی‌شدن، بیشتر از جوامع توسعه‌یافته است، آنگاه لازم است که جوامع درحال توسعه و توسعه‌نیافته موضوع جهانی‌شدن را بیش‌ازپیش موردتوجه قرار دهند. واقعیت این است که کشورهای توسعه‌یافته به دلیل امکانات و قابلیت‌های بالای خود قادر خواهند بود عوارض این پدیده را کنترل نمایند و بسیاری از تهدیدات آن را به فرصت تبدیل کنند، اما کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته در این گیرودار به دودسته تقسیم می‌شوند: گروهی با افزایش پتانسیل و قابلیت‌های خود، تهدیدات جهانی‌شدن را به حداقل کاهش می‌دهند و گروهی دیگر به علت نداشتن استراتژی مناسب، بیش از آن‌که از منافع جهانی‌شدن بهره‌برداری کنند گرفتار مخاطرات و تهدیدات آن می‌شوند (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۲۴۲).

ورود در عرصه جهانی‌شدن یک «تصمیم سیاسی» است و تابع ماهیت کانون‌های قدرت و ساختار قدرت در یک کشور است. این‌که یک نظام سیاسی تصمیم بگیرد تا حوزه

قدرت خود را در معرض آسیب‌پذیری‌های احتمالی جهانی قرار دهد (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۴)، به تحول در ذهنیت حاکم بر عرصه تصمیم‌گیری در کشور مربوط می‌شود. بر این اساس در صورتی که ساختارها و تمایلات فکری مناسب در یک کشور وجود داشته باشند، جهانی‌شدن صرفاً باعث تضعیف هویت ملی آن کشور نخواهد شد. «جهانی‌شدن به وضعیت داخلی کشورها نیز مربوط می‌شود که تا چه مقدار بتوانند از [فرصت‌ها و امکانات ناشی از آن] بهره‌برداری کنند» (همان: ۶۱). مواجهه‌ی منطقی با فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی و داشتن قدرت تعامل با آن‌ها، «در گرو آگاهی و هوشیاری نسبت به معنا و جوهر این پدیده و پیوستن هوشیارانه به آن است. در صورت برخورد هوشیارانه با این پدیده‌ها است که می‌توان از «خود» چنان محافظت کرد که نه یکسره در متغیرها فرو غلتید و نه از آن‌ها به کلی کنار جویند» (ادریسی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). به عبارتی دیگر، پدیده‌های مذکور، واقعیتی انکارناپذیر هستند که کشورها تنها با اتخاذ رویکرد منطقی، واقع‌بینانه و فعالانه در برابر آن می‌توانند با چالش‌های هویتی ناشی از آن‌ها مقابله کنند. بر این اساس دولت‌ها نباید هراسی برای ورود به فرایند جهانی‌شدن داشته باشند و به جای برخورد انفعالی و منفی با آن و ابزارهایش، می‌بایست آن را با تمام پیچیدگی‌هایش مورد توجه قرار دهند (بشیریه، ۱۳۸۳ ب: ۲۹۱؛ قوام، ۱۳۸۲: ۱۸۶-۱۹۸) و با اتخاذ استراتژی‌های متناسب با نیاز و شرایط عصر حاضر و با کسب بینشی تازه از تحولات و روندهای جاری جهان و هدایت روشنگرانه، به صورت فعال توأم با عقلانیت، منطق و شناخت کامل از ابعاد مختلف جهانی‌شدن [و فضای مجازی]، با آن‌ها مواجه شوند (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۸۲) و از فرصت‌ها و امکانات آن‌ها در جهت تقویت هویت ملی‌شان استفاده نمایند. «واقعیت این است که در جهان کنونی هیچ کشوری عملاً نمی‌تواند خود را از فرایند مناسبات جهانی منزوی سازد. انزوا نه مطلوب است و نه مقدور. مسئله اساسی این است که در کشاکش جهانی‌شدن و فشارهای بین‌المللی ناشی از آن، جوامع بی‌سویی کشیده نشوند که ارزش‌ها، فرهنگ و هویت تاریخی خود را از دست بدهند» (ادریسی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن فرایندی است که دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته، به طوری که در نتیجه‌ی شکل‌گیری و گسترش آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق، کشورها و افراد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جهانی‌شدن دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که بُعد فرهنگی آن، ناظر بر فشردگی زمان و مکان، گسترش جهانی سطح ارتباطات و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی است. البته تأثیرگذاری جهانی‌شدن بر جوامع، با توجه به ساختارهای سیاسی و اجتماعی و ظرفیت‌های داخلی کشورها، متفاوت است و جوامعی که از ساختارها و ظرفیت‌های مناسب برخوردار نمی‌باشند، بیش‌تر با چالش‌های ناشی از این فرایند در حوزه‌های مختلف مواجه می‌شوند. جهانی‌شدن توانسته است قلمرو بسیاری از مفاهیم سیاسی و اجتماعی از جمله هویت ملی را درنوردیده و آن‌ها را در معرض بازتعریف دوباره قرار دهد. نکته مهم این است که جهانی‌شدن از طریق ابزارهای مختلفی توانسته است چنین تأثیری از خود برجای بگذارد که فضای مجازی از مهم‌ترین آن‌ها است. فضای مجازی محیط الکترونیکی است که ارتباط انسانی را به شیوه‌های سریع و فراجغرافیایی با ابزارهایی خاص و به‌طور مستقیم میسر می‌سازد و از آن جهت که برخاسته از اطلاعات نامرئی - اطلاعاتی است، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه، جلوه‌های اصلی آن می‌باشند. توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و تسهیل مبادلات و انتشار اطلاعات در فضای مجازی از مهم‌ترین دلایل پیشرفت جهانی‌شدن است. رابطه جهانی‌شدن و فضای مجازی به گونه‌ای است که وقتی واژه جهانی‌شدن مطرح می‌شود، برای بسیاری از افراد مسئله فضای مجازی تداعی می‌شود. ظهور و گسترش فضای مجازی در ساختار تعاملات انسانی دگرگونی بنیادی ایجاد کرده و ارتباطات انسانی را فراتر از زمان و مکان ممکن ساخته و موجب افزایش

تأثیر‌گذاری و تأثیرپذیری جوامع و هویت‌ها از یکدیگر شده است. فضای مجازی با کارکردها و ویژگی‌های خود موجب بروز تحولات و موضوعات جدیدی شده است. ارتباطات و اجتماعات ناشی از فضای مذکور توانسته است موجب بروز تغییرات و تحولات در نگرش‌های افراد جوامع مختلف نسبت به هویت ملی خود گشته و از این‌رو کشورها را با مسئله بحران هویت ملی مواجه سازد.

آنتونی گیدنز، جهانی‌شدن و فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی (فضای مجازی) را مهم‌ترین شاخص به‌هم‌پیوستگی جهانی و تشدید روابط اجتماعی می‌داند که از یکسو موجب شکل‌گیری هویت‌های جدید و فراملی و از سوی دیگر موجب تقویت هویت‌های قومی و بومی می‌شوند. از نظر وی، هویت‌های جدید شکل گرفته در عصر جهانی‌شدن، زندگی روزمره و سنت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و به معنای جدیدی از خود برای افراد بشر می‌انجامد که محصول آن نیز «سیاست زندگی یا انتخاب» است. این هویت‌ها که از خصلت بازاندیشانه و سیال برخوردارند، با خروج از چارچوب تنگ اجتماعی و سنتی به دنبال عناصر مدرن در عرصه جهانی می‌گردند. گیدنز همچنین در رابطه با تقویت هویت قومی در عصر جهانی‌شدن معتقد است، تغییر مسیر قدرت دولت-های ملی در عصر جهانی‌شدن و کاهش کنترل آن‌ها بر فرهنگ‌های محلی باعث می‌شود که هویت‌های بومی و نوع جدیدی از هویت‌ها و ناسیونالیسم‌های محلی، احیاء شده و سر برآورند. به‌طور کلی فرایند جهانی‌شدن از طریق فضای مجازی توانسته است منابع و شرایط ملزم برای هویت‌سازی و معنایابی سنتی را تا حد بسیار زیادی از بین برده و بر کارکرد هویت‌سازی دولت‌ها تأثیر منفی بگذارد و با عرضه انبوه منابع فرهنگی هویت، قابلیت و امکان بی‌پایان هویت‌سازی را آشکار نماید، به‌طوری‌که در نتیجه‌ی آن، از یک‌سو افراد جامعه می‌توانند با بهره‌گیری از آن و بدون اتکا به منابع هویتی قبلی، برای خود هویتی جدید و فراملی تعریف نمایند و از سوی دیگر به احیاء، اشاعه و تقویت هویت فروملی و بومی خود پردازند که نتیجه‌ی این وضعیت، می‌تواند جوامع را با مسئله

بحران هویت ملی و تضعیف آن مواجه نماید. البته جهانی‌شدن و فضای مجازی در کنار چالش‌هایی که برای هویت ملی جوامع ایجاد می‌کنند، فرصت‌ها و امکاناتی را نیز پیش روی دولت‌ها قرار می‌دهند که در صورت شناخت صحیح این پدیده‌ها و مواجهه‌ی منطقی با آنها، می‌توانند از آن فرصت‌ها به نفع خویش بهره برده و بر چالش‌های پیش‌روی هویت ملی غلبه نمایند. به عبارتی دیگر، علی‌رغم تأثیر پدیده‌های مذکور بر ساختار و کارکردهای دولت‌ها از جمله کارکرد هویتی آنها، آنان همچنان به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران عرصه‌های داخلی و بین‌المللی محسوب شده و می‌توانند با اتخاذ رویکردهای مناسب نسبت به فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات آنها، از هویت ملی جامعه‌ی خود صیانت نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ادریسی، افسانه (۱۳۸۶). «عوامل مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به فرهنگ جهانی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۲.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵). هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳ الف). عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- بشیری، سعید؛ ابطحی، سیدمصطفی و مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۹). «نقش فضای مجازی بر وضعیت حوزه عمومی در ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۴۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳ ب). «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی» (مصاحبه)، در: داود میرمحمدی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۰). «الگوی پیش‌بینی تحولات قومی در ایران»، در: مجموعه مقالات آینده‌شناسی هویت‌های جمعی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- جعفری، احمد و یزدانی، مرجان و قبادی، مجید (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی دانش‌آموزان متوسطه شهر کرج»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵۸.
- جنیدی جعفری، محمود و کوثری، ابودر (۱۳۹۲). «چشم‌انداز رابطه قومیت‌ها و دولت در عصر جهانی‌شدن با تأکید بر شرایط کنونی ایران». جستارهای سیاسی معاصر، سال ۴، شماره ۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: سمت.
- حسینی پاکدهی، علیرضا و یارقلی، مریم (۱۳۹۱). «سبک زندگی در سریال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، تحلیل نشانه‌شناختی سریال‌های شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی‌وان و پی‌ام‌سی (فمیلی)»، فصلنامه رسانه، سال ۲۳، شماره ۳.

حق‌شناس، محمدجواد (۱۳۹۳). دولت ملی در عصر جهانی‌شدن: تحولات و پیامدها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خدایی، ابراهیم و مبارکی، محمد (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و هویت»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۶.

ربانی، جعفر (۱۳۸۱). هویت ملی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

زارعی، عباس (۱۳۹۲). «تعامل زبان، هویت و اینترنت»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳۰.

زهیری، علیرضا (۱۳۸۹). جمهوری اسلامی ایران و مسئله هویت ملی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سامانی، سمانه و فراهانی، اعظم (۱۳۹۵). «هویت آنلاین و اینستاگرام (مطالعه چگونگی نمایش هویت جوانان در اینستاگرام)»، فصلنامه رسانه، سال ۲۷، شماره ۲.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). ایران و جهانی‌شدن، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

سلیمی، حسین (۱۳۹۲). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن، تهران: سمت.

شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.

صالحی‌امیری، سیدرضا و افروغ، محمدصالح (۱۳۹۲). «نقش ماهواره در شکل‌گیری هویت ملی (مطالعه موردی مؤسسه همشهری)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵.

عباسی‌قادی، مجتبی و خلیلی‌کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰). تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عدلی‌پور، صمد؛ سلیمانی، حمید و مفاخری، اقبال (۱۳۹۳). «رابطه مصرف رسانه‌ای با هویت اجتماعی و سبک زندگی نوین در بین جوانان شهر تبریز»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۱، شماره ۷۹.

قادرزاده، امید و احمدپور، مریم (۱۳۹۰). «کاربری اینترنت و تأثیر آن بر هویت اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان»، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۳۹.

قربانزاده سوار، قربانعلی؛ رحمتی، مهدی و ناطقی، هاشم (۱۳۹۵). «رسانه و هویت ملی؛ مطالعه موردی تأثیر رسانه در شاخص‌های هویت ملی»، دو فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال ۶، شماره ۱.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: قومس.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). «بحران معنا در عصر جهانی‌شدن»، در: سید محمد کاظم سجادی‌پور، جهانی‌شدن: برداشت‌ها و پیامدها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴). «بنیادهای جغرافیای فرهنگ ایرانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۸.

کریمی، علی (۱۳۹۰ الف). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها، تهران: سمت.

کریمی، علی (۱۳۹۰ ب). «پیش‌بینی آینده تحولات قومی در ایران»، در: مجموعه مقالات آینده‌شناسی هویت‌های جمعی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
کریمیان، زهرا و احمدوند، علی محمد (۱۳۹۱). «جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه‌ها»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، شماره ۳.

گرگی، عباس (۱۳۸۵). «اینترنت و هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۵.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ الف). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ ب). راه سوم، بازسازی سوسیال‌دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلایی پور، تهران: انتشارات طرح نو.

- مرتضایی فریزه‌ندی، کبری و ادیسی، افسانه (۱۳۹۳). «هویت‌یابی ملی در فضای رسانه‌ای»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵۸.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۴). «هویت و مجاز: تأثیر هویتی اینترنت»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۱). «مقدمه»، در: مجتبی مقصودی، هویت و همبستگی ملی در نظام آموزشی ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۱). «جهانی‌شدن، ابعاد و رویکردها»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۱.
- میرمحمدی، داود (۱۳۹۴). فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- نادمی، داوود (۱۳۸۸). «دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی‌شدن»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶۸-۲۶۷.
- نساج، حمید (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸). «جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی: با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره ۵.
- نظری، علی‌اشرف و قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۵). «کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۷.
- هاشمی‌زاده، سیدرضا و انصاری نسب، بنیامین (۱۳۹۶). عصر مجازی؛ تأملی بر کارکردها و رویکردهای جامعه مجازی، تهران: انتشارات تیسرا.

ب) منابع انگلیسی

- Bauman, Z (2001). Identity in the Globalization World Culture. in Eliezer Ben-Rafael and Yitzhak Stereng. Identity Culture and Globalization. Boston: Brill.
- Bruns, Axel (2008). "Life beyond the Public Sphere: Towards e Networked Model for Political Deliberation", Information Polity, Vol. 13, No 1-2.

- Elkins, David J (1997). “Globalization, Telecommunication and Virtual Ethnic Communities”, *Interational political Science Review*, Vol. 18, No. 2.
- Poole, Ross (2003). “National Identity and citizenship”, in the *Martin Lins, Identities*, U.K. Black well publishing.
- Parekh, Bhikhu (2008). *The Politics of Identity: Political Principle for an Interdependent World*, New York: Palgrave Macmillan.
- Pruthi, Raj Kumar (2006). *Globalization and the new civilization*, New Dehli: Alfa.
- Saha, T. k (2009). “War on World in Cyber Space-legal Constraints and Conflicts Between Rights of Privacy and Freedom of Speech”, *Journal of Intellectual Property*, Vol. 14, No. 6.
- Taylor, Gary and Spencer, Steve (2004). *Social Identities Multidisciplinary Approaches*, London: Routledge.
- Woodward, Kath (2000). *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*, London: Rutledg.